

دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ **المعتبر**: المحقق الحلّی (م. ۶۷۶ق.)، مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۳ش؛ **معجم البلدان**: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ **معجم ما استعجم**: عبدالله البکری (م. ۴۸۷ق.)، به کوشش السقاء، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ق؛ **المغنی**: عبدالله بن قدامه (م. ۶۲۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ **المقنعه**: المفید (م. ۴۱۳ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ **مواهب الجلیل**: الخطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ **المهذب البارع**: ابن فهد الحلّی (م. ۸۴۱ق.)، به کوشش العراقی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق؛ **نهاية الاحکام**: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش رجایی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق؛ **النهايه**: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش آقا بزرگ تهرانی، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق؛ **وسائل الشیعه**: الحر العاملی (م. ۱۰۴۰ق.)، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۲ق.

مریم حسینی آهق



اذان و اقامه: ذکرهای مخصوص اعلان وقت نماز و آمادگی برای آن

واژه «أذان» مصدر یا اسم مصدر «تأذین»^۱ به معنای اعلان و فراخوانی است؛^۲ چنان که مفهوم این ماده را در آیه ۲۷ حج/۲۲: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ﴾ و آیه ۳ توبه/۹: ﴿وَأَذِّنْ مِنَ اللَّهِ

۱. العین، ج ۸، ص ۲۰۰؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۷۷، «اذن».
۲. الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۶۸؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۹، «اذن».

وَرَسُولِهِ﴾ اعلان یا ندا دادن دانسته‌اند.^۳ واژه «اقامه» نیز مصدر باب افعال، به معنای ادامه دادن و بر پا داشتن است.^۴ در اصطلاح فقهی، اذان و اقامه به ذکرهایی خاص گفته می‌شود که برای اعلان پای نهادن به وقت نماز و ایجاد آمادگی برای برپایی آن ادا می‌شوند.^۵ اهمیت اذان و اقامه از آن روست که از شعارها و نشانه‌های آشکار اسلام در هر منطقه به شمار می‌روند.^۶ افزون بر این، حدیث‌های گوناگون در فضیلت اذان و مؤذنان وارد شده است.^۷ البته میان مذاهب گوناگون درباره چگونگی آن دو تفاوت‌هایی دیده می‌شود. (همین مقاله ← جملات اذان و اقامه)

◀ **پیشینه**: بر پایه برخی منابع حدیثی اهل سنت، اذان در سال‌های نخست هجرت پس از تغییر قبله* به کعبه تشریح شده است.^۸ بر پایه برخی حدیث‌های اهل سنت، مسلمانان برای اعلان وقت نماز راه‌های گوناگون پیشنهاد

۳. جامع البیان، ج ۱۷، ص ۱۹۰؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۲، ص ۳۸؛ غریب القرآن، ص ۵۲۹.
۴. الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۱۷، «قوم».
۵. ذکری، ج ۳، ص ۱۹۷؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۱۳۳؛ جواهر الکلام، ج ۹، ص ۲.
۶. المغنی، ج ۱، ص ۴۲۷؛ المجموع، ج ۳، ص ۸۱-۸۲؛ جواهر الکلام، ج ۹، ص ۱۳۳.
۷. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۴۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۳.
۸. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۵-۶؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۴۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۳.

را نپذیرفته و به پشتوانه روایات، اذان را به وحی الهی مستند دانسته‌اند.^۸ بر پایه حدیث‌های شیعه، جبرئیل در شب معراج* اذان و اقامه را بر پیامبر گرامی ﷺ نازل کرد و ایشان به علیؓ دستور داد آن را به بلال بیاموزد.^۹ بر این اساس، برخی محققان با اثبات ضعف حدیث‌های اهل سنت و به پشتوانه حدیث‌های یاد شده و روایات دیگر، به تشریح اذان در مکه قائل شده‌اند.^{۱۰} البته برخی بر آنند که پذیرش این ادله به معنای تشریح اذان اعلان پس از معراج نیست، بلکه بر پایه شواهدی، اذان اعلان پس از بنای مسجدالنبی در سال اول ق. رسمی شده است.^{۱۱}

◀ حکم تکلیفی اذان و اقامه: در

روایات، برای تشریح اذان، حکمت‌هایی جز اعلان وقت نماز یاد شده است؛ از جمله: آشکار ساختن اسلام و ایمان، اقرار به توحید، دعوت و ترغیب به عبادت خداوند.^{۱۲} حکمت تشریح اقامه نیز آمادگی برای ورود به نماز و یافتن حضور قلب در نماز است.^{۱۳}

می‌کردند؛ مانند برافروختن آتش، نواختن ناقوس یا بوق زدن. در این میان، عمر بن خطاب پیشنهاد کرد که کسی مأمور فراخواندن مردم به نماز شود. بدین ترتیب، پیامبر ﷺ بلال* را به این کار گمارد.^۱ بر پایه برخی منابع تاریخی^۲ و حدیثی^۳ عبدالله بن زید بن عبدربه انصاری از صحابیان پیامبر ﷺ در سال اول ق. جمله‌های اذان را در خواب شنید و پیامبر ﷺ خواب او را رؤیای صادق دانست و دستور داد که وی آن را به بلال آموزش دهد. در برخی حدیث‌های شیعه، این خواب را به ابی‌بن کعب نسبت داده‌اند.^۴ به گفته شافعی، اذان برتر از آن است که برگرفته از رؤیای کسی چون عبدالله بن زید باشد.^۵ همچنین گفته‌اند که مفاد حدیث‌های یاد شده، افزون بر آن که با شئون و اقتضائات مقام نبوت سازگاری ندارد، با یکدیگر نیز در تعارض هستند و ضعف سندی دارند.^۶ امامان شیعه علیهم‌السلام صریحاً استناد اذان را به خواب مردود شمرده‌اند.^۷ فقیهان امامی نیز دیدگاه یاد شده

۱. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۵۰؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲.

۲. تاریخ المدینه، ج ۳، ص ۸۶۷؛ تاریخ خلیفه، ص ۳۰؛ الکامل، ج ۳، ص ۱۳۷.

۳. مسند احمد، ج ۴، ص ۴۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۳۳.

۴. الکافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۸۲.

۵. المستدرک، ج ۲، ص ۱۷۱.

۶. نک: الاعتصام، ص ۳۱-۴۸.

۷. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۲؛ بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۱۲۳: الکافی، ج ۳، ص ۴۸۲.

۸. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۹۵؛ نهایة الاحکام، ج ۱، ص ۴۱۱؛ ذکری، ج ۳، ص ۱۹۵.

۹. الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۳۰۲؛ التهذیب، ج ۲، ص ۲۷۷.

۱۰. الصحیح من سیرة النبی، ج ۴، ص ۳۷۳.

۱۱. موسوعة التاريخ الاسلامی، ج ۲، ص ۴۶.

۱۲. علل الشرايع، ج ۱، ص ۲۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۱۸.

۱۳. نک: دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۵-۱۴۶؛ نک: التهذیب، ج ۲، ص ۲۸۵-۲۸۶.

بیشتر فقیهان امامی^۱ و اهل سنت، از جمله ابوحنیفه^۲ و شافعی، استحباب اذان و اقامه برای نمازهای واجب پنج‌گانه را باور دارند. مهم‌ترین ادله آن‌ها برای عدم وجوب عبارتند از: حدیث‌های گوناگون دلالت‌گر بر واجب نبودن اذان و اقامه^۳، نقش اذان و اقامه به منزله فراخوان نماز و واجب نبودن فراخوان^۴، اصل عدم وجوب^۵، متوالی خواندن نماز ظهر و عصر از جانب پیامبر ﷺ بدون اذان نماز عصر.^۶

اندکی از فقیهان امامی اذان و اقامه را در نماز صبح و مغرب واجب دانسته‌اند.^۷ برخی نیز به پشتوانه حدیثی^۸ آن دو را در نماز جماعت واجب شمرده‌اند.^۹ فقیهانی دیگر در سند این روایت خدشه کرده و آن را دارای معنای استحباب دانسته‌اند.^{۱۰} شماری از آن‌ها وجوب اذان و اقامه را در نماز جماعت،

مخصوص مردان دانسته‌اند.^{۱۱} برخی از فقیهان اهل سنت اذان و اقامه را در نماز جمعه واجب شمرده و بعضی از جمله پاره‌ای شاگردان شافعی و بیشتر حنبلیان آن دو را واجب کفایی دانسته‌اند.^{۱۲} برخی دیگر، از جمله مالک، وجوب کفایی اذان و اقامه در نماز جماعت مساجد را باور دارند.^{۱۳} دلیل آنان برای وجوب کفایی، این حدیث نبوی است که هنگام نماز باید یکی از مؤمنان اذان بگوید.^{۱۴}

احمد بن حنبل یک اذان را بر ساکنان یک شهر در صورتی که همه ساکنان شهر آن را بشنوند، کافی دانسته است. برخی از فقیهان پیشین اذان را برای حاضر واجب عینی دانسته‌اند و بر مسافر واجب ندانسته‌اند.^{۱۵} پشتوانه آن‌ها فرمان پیامبر گرامی ﷺ به مالک بن حویرث برای گفتن اذان و مداومت پیامبر و خلفای ایشان بر این سیره است.^{۱۶} این که یک شخص اذان و اقامه را بگوید، از دیدگاه فقیهان جایز است.^{۱۷} ولی برخی

۱. منتهی المطلب، ج ۴، ص ۴۰۸-۴۰۹؛ جواهر الکلام، ج ۹، ص ۳.
 ۲. المبسوط، سرخسی، ج ۱، ص ۱۲۳؛ المجموع، ج ۳، ص ۸۱-۸۲.
 ۳. منتهی المطلب، ج ۴، ص ۴۱۰؛ السنن الکبری، ج ۱، ص ۴۰۶؛ التهذیب، ج ۲، ص ۲۸۵.
 ۴. المغنی، ج ۱، ص ۴۲۷.
 ۵. منتهی المطلب، ج ۴، ص ۴۱۰.
 ۶. فتح العزیز، ج ۳، ص ۱۲۷، ۱۵۶.
 ۷. رسائل المرتضی، ج ۳، ص ۲۹.
 ۸. التهذیب، ج ۲، ص ۵۰؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۲۹۹.
 ۹. المقنعه، ص ۹۷؛ المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۹۵؛ منتهی المطلب، ج ۴، ص ۴۱۱.
 ۱۰. منتهی المطلب، ج ۴، ص ۴۱۱-۴۱۲.

۱۱. رسائل المرتضی، ج ۳، ص ۲۹.
 ۱۲. المغنی، ج ۱، ص ۴۲۷؛ فتح العزیز، ج ۳، ص ۱۲۸؛ المجموع، ج ۳، ص ۸۰-۸۱.
 ۱۳. المدونة الکبری، ج ۱، ص ۶۱؛ الموطأ، ج ۱، ص ۷۱.
 ۱۴. سنن النسائی، ج ۲، ص ۱۰؛ المعجم الکبیر، ج ۱۹، ص ۲۸۸؛ کشف القناع، ج ۱، ص ۲۷۳.
 ۱۵. المغنی، ج ۱، ص ۴۲۷.
 ۱۶. المغنی، ج ۱، ص ۴۲۷.
 ۱۷. البیان، ص ۷۱؛ نصب الراية، ج ۱، ص ۳۹۰.

به پشتوانه حدیث عبدالله بن زید^{۱۰} با حذف دو «حیّ علی خیر العمل» و یک «لا إله إلا الله» از انتهای اذان، آن را دارای ۱۵ جمله می‌دانند. شافعیان به پشتوانه حدیث ابومحذوره^{۱۱} اذان را دارای ۱۹ جمله دانسته‌اند؛ بدین ترتیب که پس از گفتن دو بار «أشهد أن لا إله إلا الله و دو بار أشهد أن محمداً رسول الله» به صورت آهسته، تکرار هر یک از این دو جمله را دو بار با صدای بلند (ترجیع) واجب شمرده‌اند.^{۱۲} مالکیان نیز به وجوب ترجیع باور دارند؛ ولی از آن‌جا که در آغاز اذان تنها دو بار الله اکبر می‌گویند، آن را شامل ۱۷ جمله می‌دانند.^{۱۳} بر پایه برخی روایت‌های ابومحذوره نیز الله اکبر در ابتدای اذان دو بار گفته می‌شود.^{۱۴}

فقیهان امامی به پشتوانه روایات^{۱۵}، اقامه را دارای ۱۷ جمله دانسته‌اند. تنها تفاوت آن با اذان، حذف دو تکبیر از اول و یک تهلیل (لا اله الا الله) از پایان و افزوده شدن دو بار «قد قامت الصلاة» پس از «حیّ علی خیر العمل»

فقیهان مذاهب مختلف، از جمله شماری از امامیان^۱، شافعیان^۲ و حنبلیان^۳ به استحباب آن اعتقاد دارند. از پشتوانه‌های این نظر، حدیث‌های دلالت‌گر بر اذان گفتن پیامبر گرامی ﷺ همراه با اقامه در نماز است.^۴ در برابر، مخالفان این دیدگاه، فقدان یا ندرت مباشرت ایشان و صحابیان و امامان علیهم‌السلام به اذان گفتن و نیز حدیث‌هایی دیگر را دلیل عدم استحباب شمرده‌اند.^۵

جملات اذان و اقامه: به نظر مشهور

فقیهان امامی، به پشتوانه حدیث‌های نقل شده از امامان علیهم‌السلام، اذان از ۱۸ جمله تشکیل شده است: الله اکبر (۴ بار)، أشهد أن لا إله إلا الله (۲ بار)، أشهد أن محمداً رسول الله (۲ بار)، حیّ علی الصلاة (۲ بار)، حیّ علی الفلاح (۲ بار)، حیّ علی خیر العمل (۲ بار)، الله اکبر (۲ بار)، لا إله إلا الله (۲ بار).^۶ حنفیان^۷ و حنبلیان^۸

۱. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۹۸.

۲. الام، ج ۱، ص ۱۰۶؛ المجموع، ج ۳، ص ۱۲۱.

۳. المغنی، ج ۱، ص ۴۲۶.

۴. تحفة الاجودی، ج ۲، ص ۲۸۰.

۵. نصب الرایه، ج ۱، ص ۳۹۰؛ تلخیص الحبیر، ج ۳، ص ۲۰۵؛ مفتاح الکرامه، ج ۶، ص ۵۲۳.

۶. الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۳۰۲-۳۰۳؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۹؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۳۰۶.

۷. المقنع، ص ۱۰۰؛ الخلاف، ج ۱، ص ۲۷۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، ص ۴۱.

۸. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۱۲۸.

۹. المغنی، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۱۷.

۱۰. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۲۲.

۱۱. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۲۱؛ سنن النسائی، ج ۲، ص ۴-۵.

۱۲. مختصر المزنی، ص ۱۲؛ فتح العزیز، ج ۳، ص ۱۶۷؛ صحیح مسلم، نووی، ج ۴، ص ۸۱.

۱۳. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۵۷؛ الاستذکار، ج ۱، ص ۳۶۹.

۱۴. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳.

۱۵. الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۳۰۳؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۶؛

التهذیب، ج ۲، ص ۵۹-۶۰.

است.^۱ شافعیان^۲ و حنبلیان^۳ به پشتوانه حدیث‌های نقل شده از صحابه^۴ اقامه را شامل ۱۱ جمله دانسته‌اند. یعنی جز تکبیر اول و تکبیر آخر (قبل از لا اله الا الله) و ذکر «قد قامت الصلاة» که دو بار گفته می‌شوند، دیگر ذکرها یک بار گفته می‌شوند. مالکیان به پشتوانه حدیثی نبوی که همه ذکرهای اقامه را به جز دو تکبیر اول و آخر، فرد دانسته^۵، آن را دارای ۱۰ جمله می‌شمارند.^۶ حنفیان به پشتوانه روایت ابومحذوره^۷، ذکرهای اقامه را همان ذکرهای اذان همراه دو بار «قد قامت الصلاة» یعنی ۱۷ جمله دانسته‌اند.^۸

کاربرد جمله «حی علی خیر العمل» در اذان از ویژگی‌های مذهب تشیع و شعار آن است.^۹ بر پایه منابع شیعی، این جمله در دوران پیامبر گرامی ﷺ و در زمان خلافت ابوبکر و آغاز خلافت عمر، جزئی از اذان بوده است. عمر با

این پندار که این جمله مردم را از رفتن به جهاد باز می‌دارد، دستور حذف آن را داد^{۱۰} و عموم اهل سنت آن را در اذان ذکر نمی‌کنند. پشتوانه فقیهان شیعه، حدیث‌های اذاند که به این جمله تصریح کرده‌اند.^{۱۱} برخی بزرگان اهل سنت مانند شافعی (در یکی از سخنانش) گفتن «الصلاة خیر من النوم» را پس از «حی علی الفلاح» مکروه می‌دانند^{۱۲}؛ اما عموم اهل سنت به پشتوانه روایت‌هایی مانند روایت ابومحذوره^{۱۳} آن را در اذان دو بار تکرار می‌کنند^{۱۴} که اصطلاحاً تئوب^{*} نامیده می‌شود. (← تئوب) این کار در فقه امامی بدعت شمرده شده است.^{۱۵} «شهادت ثالثه» یعنی عبارت «أشهد أن علیاً ولی الله» از دیرباز در اذان و اقامه شیعیان یاد می‌شده^{۱۶}؛ اما در منابع فقهی و حدیثی شیعه، بخشی از اذان و اقامه تلقی نشده است.^{۱۷} حتی فقیهان شیعه ذکر آن را به قصد

۱. المقنعه، ص ۱۰۲؛ الخلاف، ج ۱، ص ۲۷۹؛ جواهر الکلام، ج ۹، ص ۸۲.
۲. الام، ج ۱، ص ۱۰۴؛ المجموع، ج ۳، ص ۹۰.
۳. المغنی، ج ۱، ص ۴۱۸؛ کشف القناع، ج ۱، ص ۲۷۸.
۴. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ سنن الترمذی، ج ۱، ص ۱۲۲.
۵. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۵۰.
۶. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۵۸؛ بداية المجتهد، ج ۱، ص ۹۲.
۷. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۲۲.
۸. المبسوط، سرخسی، ج ۱، ص ۱۲۹؛ بدائع الصنائع، ج ۱، ص ۱۴۷-۱۴۸.
۹. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۴۳.
۱۰. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۷-۳۶۸.
۱۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۹۰؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۶.
۱۲. الام، ج ۱، ص ۱۰۴؛ مختصر المزنی، ص ۱۲؛ سنن الترمذی، ج ۱، ص ۱۲۷.
۱۳. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۳؛ سنن النسائی، ج ۲، ص ۷.
۱۴. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۵۷؛ المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۱۳۱؛ المغنی، ج ۱، ص ۴۲۰.
۱۵. الخلاف، ج ۱، ص ۲۸۸؛ الدروس، ج ۱، ص ۱۶۲.
۱۶. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۹۰.
۱۷. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۹۹؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۶؛ الدروس، ج ۱، ص ۱۶۲.

که اذان پیش از ورود به وقت برای آمادگی، ویژه نماز صبح است. شماری از فقیهان امامی به جواز^{۱۱} و شماری دیگر به عدم جواز^{۱۲} اذان پیش از فرارسیدن وقت نماز صبح باور دارند. از اهل سنت نیز شافعیان^{۱۳}، مالکیان^{۱۴} و به جواز و بیشتر فقیهان حنفی^{۱۵} به جایز نبودن این اذان اعتقاد دارند. پشتوانه باور به جواز، روایت‌هایی از پیامبر و امامان علیهم‌السلام و حکمت آن، بیدار شدن و آمادگی برای اقامه نماز صبح یا خودداری از خوردن و آشامیدن برای روزه داران به شمار رفته است.^{۱۶} پشتوانه باور به عدم جواز نیز روایت نقل شده از پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در نهی بلال از اذان گفتن پیش از فجر صادق است.^{۱۷}

◀ **احکام اذان:** پاره‌ای احکام جزئی برای اذان و اقامه در منابع فقهی مطرح شده‌اند. فقیهان امامی^{۱۸} و اهل سنت^{۱۹} به پشتوانه

۱۱. المقنعه، ص ۹۸؛ المعتبر، ج ۲، ص ۱۳۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، ص ۷۷-۷۸.
۱۲. مسائل الناصریات، ص ۱۸۲؛ السرائر، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۱.
۱۳. المجموع، ج ۳، ص ۴۴-۴۵.
۱۴. مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۸۰-۸۱.
۱۵. المغنی، ج ۱، ص ۴۲۱.
۱۶. المبسوط، سرخسی، ج ۱، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ بدائع الصنائع، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۵۵.
۱۷. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۵۳.
۱۸. المغنی، ج ۱، ص ۴۲۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، ص ۷۸.
۱۹. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۳۰.
۲۰. منتهی المطلب، ج ۴، ص ۳۸۹.
۲۱. المبسوط، سرخسی، ج ۱، ص ۱۳۱؛ فتح العزیز، ج ۳، ص ۱۶۴-۱۶۵.

جزئی از اذان صحیح ندانسته و تنها به قصد تبرک، گفتن آن را مستحب شمرده‌اند.^۱

◀ **اقسام اذان:** اذان از لحاظ قصد گوینده آن، گونه‌هایی دارد: ۱. اذان به قصد اعلان فرارسیدن وقت.^۲ ۲. اذان گفتن به قصد آغاز نماز که اگر با قصد اعلان وقت همراه باشد، پاداش هر دو کار را دارد.^۳ ۳. اذان پیش از وقت به قصد آماده‌سازی مردم برای نماز، نه برای اعلان وقت.^۴ ۴. اذان بی‌موقع به قصد اعلان رخدادی مهم یا گرد آوردن مردم به سببی خاص.^۵ ۵. اذان به قصد تبرک؛ مانند اذان گفتن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در گوش راست امام حسین علیه‌السلام به پشتوانه روایات.^۶ ۶. اذان هنگام ترس به قصد رهایی از مایه هراس.^۷ ۷. اذان برای زدودن بد خلقی و پرورش اخلاق خوش.^۸ ۸. اذان گفتن پشت سر مسافر.^۹ ۹. اذان خواندن در خانه به قصد دور کردن شیطان و برای تربیت فرزندان.^{۱۰} گفتنی است

۱. الحدائق، ج ۷، ص ۴۰۳؛ مستند الشیعه، ج ۴، ص ۴۸۷.
۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۳۰۵؛ الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۳۰۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۵.
۳. جواهر الکلام، ج ۹، ص ۳-۴.
۴. المقنعه، ص ۹۸؛ المغنی، ج ۱، ص ۴۲۱.
۵. الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۳۲۵.
۶. المستدرک، ج ۳، ص ۱۷۹؛ المناقب، ج ۳، ص ۱۵۵.
۷. ذکری، ج ۳، ص ۲۳۶؛ الدروس، ج ۱، ص ۱۶۵.
۸. ذکری، ج ۳، ص ۲۳۶؛ الدروس، ج ۱، ص ۱۶۵.
۹. مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۸۵.
۱۰. الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۶۳.

دارند.^{۱۲} همچنین مستحب است گوینده اذان و اقامه، میان آن دو بنشیند یا با قدری سکوت و مانند آن، میان این دو فاصله اندازد.^{۱۳} مستحب است مؤذن با وضو^{۱۴} و رو به قبله^{۱۵} اذان گوید و دارای صدای نیکو و بلند^{۱۶} باشد.

فقیهان امامی اذان و اقامه را تنها برای نمازهای واجب روزانه مستحب دانسته، بر آنند که در دیگر نمازهای واجب مانند نماز آیات و نماز میت و نیز نمازهای مستحب همچون نمازهای طلب باران، عید فطر و عید قربان، به پشتوانه حدیثی از امام صادق علیه السلام^{۱۷} مستحب است سه بار «الصلوة» گفته شود.^{۱۸} اهل سنت نیز به پشتوانه روایت‌هایی^{۱۹} استحباب اذان و اقامه را ویژه نمازهای واجب روزانه دانسته‌اند. بیشتر مالکیان^{۲۰} و حنفیان^{۲۱} در نماز کسوف، عبارت «الصلوة جامعة» را جایگزین اذان و اقامه دانسته‌اند.

روایات^۱ باور دارند که اذان به صورت ترسل و ترتیل (با تأنی و طمأنینه) و اقامه به صورت اجداد (به سرعت) خوانده شود. به پشتوانه روایات^۲، اذان و اقامه گفتن زن برای نمازگزاران مرد جایز نیست.^۳ مالکیان^۴ و برخی از شافعیان^۵ برخلاف سایر مذاهب اسلامی^۶ اجرت گرفتن برای اذان را جایز شمرده‌اند. جز فقیهان مالکی^۷، فقیهان دیگر مذاهب اسلامی^۸ اذان فرد نابالغ را صحیح دانسته‌اند. اسلام و عقل نیز از شرایط فقهی صحت اذاندند.^۹

برخی عدالت را نیز از شرایط صحت اذان برشمرده‌اند.^{۱۰} فقیهان همه مذاهب اسلامی به پشتوانه روایات^{۱۱}، به استحباب حکایت اذان (تکرار جمله‌های مؤذن) برای شنونده آن باور

۱. سنن الترمذی، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ الکافی، کلینی، ج ۳، ص ۳۰۶؛ المستدرک، ج ۱، ص ۲۰۴.
۲. المصنف، ج ۳، ص ۱۲۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۸.
۳. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۲۲۶.
۴. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۶۲؛ حاشیة الدسوقی، ج ۱، ص ۱۹۹.
۵. الام، ج ۱، ص ۱۰۳؛ المجموع، ج ۳، ص ۱۲۷.
۶. الخلاف، ج ۱، ص ۲۹۰؛ بدائع الصنائع، ج ۱، ص ۱۵۲.
۷. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۵۹؛ مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۸۸.
۸. بدائع الصنائع، ج ۱، ص ۱۵۰؛ المجموع، ج ۳، ص ۱۰۰؛ منتهی المطلب، ج ۴، ص ۳۹۶.
۹. المغنی، ج ۱، ص ۴۲۵؛ المجموع، ج ۳، ص ۹۸؛ منتهی المطلب، ج ۴، ص ۳۹۴.
۱۰. المغنی، ج ۱، ص ۴۲۵.
۱۱. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۵۲؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸.

۱۲. الام، ج ۱، ص ۱۰۸؛ الخلاف، ج ۱، ص ۲۸۵؛ المغنی، ج ۱، ص ۴۴۰.
۱۳. المغنی، ج ۱، ص ۴۲۴؛ المجموع، ج ۳، ص ۱۲۰.
۱۴. المغنی، ج ۱، ص ۴۲۴.
۱۵. بدائع الصنائع، ج ۱، ص ۱۴۹.
۱۶. المغنی، ج ۱، ص ۴۲۶؛ السرائر، ج ۱، ص ۲۱۳.
۱۷. التهذیب، ج ۳، ص ۲۹۰.
۱۸. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۰؛ المعتمد، ج ۲، ص ۳۱۶-۳۱۷.
۱۹. السنن الكبرى، ج ۳، ص ۳۴۷.
۲۰. مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۵۷۰.
۲۱. البحر الرائق، ج ۲، ص ۲۹۱؛ الدر المختار، ج ۲، ص ۱۹۷.

مغرب و عشا در شب عید قربان در مزدلفه، به صورت جمع (بی فاصله) با یک اذان و دو اقامه برگزار شوند. اما عموم فقیهان مالکی به دو اذان و دو اقامه، برای هر نماز يك اذان و يك اقامه، باور دارند.^{۱۱}

◀ منابع

الاستبصار: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش؛ الاستذکار: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش سالم محمد و محمد علی، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰م؛ الاعتصام: الشاطبی (م. ۷۹۰ق.)، به کوشش عبدالرزاق، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۷ق؛ الافصاح فی الامامه: المفید (م. ۴۱۳ق.)، قم، البعثه، ۱۴۱۴ق؛ الام: الشافعی (م. ۲۰۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ البحر الرائق: ابونجیم المصری (م. ۹۷۰ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدین الکاسانی (م. ۵۸۷ق.)، پاکستان، المكتبة الحبیبه، ۱۴۰۹ق؛ بدایة المجتهد: ابن رشد القرطبی (م. ۵۹۵ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ البیان: الشهدی الاول (م. ۷۸۶ق.)، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه: تاریخ المدینه المنوره: ابن شیه (م. ۲۶۲ق.)، به کوشش شلتوت، قم، دار الفکر، ۱۴۱۰ق؛ تاریخ خلیفه: خلیفه بن خیاط (م. ۲۴۰ق.)، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ تحریر الاحکام الشرعیه: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش بهادری،

حنبلیان^۱ همین عبارت یا «الصلاة» را افزون بر نماز کسوف، برای نمازهای عید فطر، عید قربان و نماز باران بر زبان می‌رانند. شافعیان^۲ افزون بر این‌ها برای نماز تراویح نیز همین عبارت را ندا می‌دهند.

طهارت از حدث (وضو داشتن)، موالات (پیاپی گفتن جمله‌ها)، رو به قبله بودن، قیام و استقرار، از شرایط صحت اذان نیستند، بلکه شرط کمال آنند. همه این‌ها در اقامه، شرط صحت هستند.^۳ به نظر فقیهان مالکی و حنبلی، در اذان و اقامه، نیت نیز شرط است.^۴ اما به نظر برگزیده فقیهان شافعی و عموم فقیهان حنفی، نیت در اذان و اقامه شرط نیست.^۵

به نظر فقیهان امامی^۶، حنبلی^۷ و حنفی^۸ و نظر برگزیده فقیهان شافعی^۹ به پشتوانه روایات^{۱۰} مستحب است نماز ظهر و عصر روز عرفه در سرزمین عرفات و همچنین نماز

۱. کشف القناع، ج ۱، ص ۲۷۴.

۲. المجموع، ج ۳، ص ۷۷.

۳. المقتعه، ص ۹۸-۹۹؛ الکافی، حلبی، ص ۱۲۰-۱۲۱.

۴. مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۷۳؛ شرح منتهی الارادات، ج ۱، ص ۱۳۶.

۵. معنی المحتاج، ج ۱، ص ۱۳۷؛ نک: حاشیه رد المحتار، ج ۱، ص ۴۲۴-۴۲۵.

۶. المقتعه، ص ۴۰۹؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۶۰۴-۶۰۹.

۷. المعنی، ج ۳، ص ۴۲۵؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۵۷۶-۵۷۷.

۸. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۰۴، ۴۰۶؛ بدائع الصنائع، ج ۱، ص ۱۵۲.

۹. الام، ج ۲، ص ۲۳۳؛ المجموع، ج ۸، ص ۹۲.

۱۰. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۴۱-۴۲؛ سنن ابی داود؛ ج ۱، ص ۴۲۷؛

الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۴۶۲، ۴۶۸.

۱۱. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۱۲؛ حاشیه الدسوقی، ج ۲، ص ۴۴.

قم، مؤسسة الامام الصادق عليه السلام، ١٤٢٠ق؛ تحفة الاحوذى: المبارك فوري (م.١٣٥٣ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق؛ تحفة الفقهاء: علاء الدين السمرقندى (م.٥٣٩/٥٣٥ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق؛ تذكرة الفقهاء: العلامة الحلى (م.٧٢٦ق.)، قم، آل البيت عليهم السلام، ١٤١٤ق؛ تفسير قرطبي (الجامع لاحكام القرآن): القرطبي (م.٦٧١ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٥ق؛ تلخيص الحبير: ابن حجر العسقلاني (م.٨٥٢ق.)، دار الفكر؛ تهذيب الاحكام: الطوسى (م.٤٦٠ق.)، به كوشش موسوى و آخوندى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ش؛ جامع البيان: الطبرى (م.٣١٠ق.)، به كوشش صدقى جميل، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ جواهر الكلام: النجفى (م.١٢٦٦ق.)، به كوشش قوچانى و ديگران، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ حاشية الدسوقى: الدسوقى (م.١٢٣٠ق.)، احياء الكتب العربية؛ حاشية رد المحتار: ابن عابدين (م.١٢٥٢ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ الحدائق الناضرة: يوسف البحرانى (م.١١٨٦ق.)، به كوشش آخوندى، قم، نشر اسلامى، ١٣٦٣ش؛ الخلاف: الطوسى (م.٤٦٠ق.)، به كوشش خراسانى و ديگران، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٧ق؛ الدر المختار: الحصفى (م.١٠٨٨ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ الدروس الشرعية: الشهيد الاول (م.٧٨٦ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٢ق؛ دعائم الاسلام: النعمان المغربى (م.٣٦٣ق.)، به كوشش فيضى، قاهره، دار المعارف، ١٣٨٣ق؛ ذكرى: الشهيد الاول (م.٧٨٦ق.)، قم، آل البيت عليهم السلام، ١٤١٩ق؛ رسائل المرتضى: السيد المرتضى (م.٤٣٦ق.)، به كوشش حسيني و رجائى، قم، دار القرآن، ١٤٠٥ق؛ السرائر: ابن اديس (م.٥٩٨ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١١ق؛ سنن ابن ماجه: ابن

ماجه (م.٢٧٥ق.)، به كوشش محمد فؤاد، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٩٥ق؛ سنن ابى داود: السجستاني (م.٢٧٥ق.)، به كوشش سعيد اللحام، بيروت، دار الفكر، ١٤١٠ق؛ سنن الترمذى: الترمذى (م.٢٧٩ق.)، به كوشش عبدالوهاب، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٢ق؛ السنن الكبرى: البيهقى (م.٤٥٨ق.)، بيروت، دار الفكر؛ سنن النسائى: النسائى (م.٣٠٣ق.)، به كوشش عبدالغفار، سيد كسروى، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١١ق؛ شرح منتهى الارادات: منصور البهوتى (م.١٠٥١ق.)، بيروت، عالم الكتب، ٩٩٦ق؛ الصحاح: الجوهري (م.٣٩٣ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٧ق؛ صحيح البخارى: البخارى (م.٢٥٦ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق؛ صحيح مسلم بشرح النووى: النووى (م.٦٧٦ق.)، بيروت، دار الكتاب العربى، ١٤٠٧ق؛ صحيح مسلم: مسلم (م.٢٦١ق.)، بيروت، دار الفكر؛ الصحيح من سيرة النبى صلى الله عليه وسلم: جعفر مرتضى العاملى، بيروت، دار السيره، ١٤١٤ق؛ علل الشرايع: الصدوق (م.٣٨١ق.)، به كوشش بحر العلوم، نجف، المكتبة الحيدريه، ١٣٨٥ق؛ العين: خليل (م.١٧٥ق.)، به كوشش المخزومى و السامرائى، دار الهجره، ١٤٠٩ق؛ غريب القرآن الكريم: الطريحي (م.١٠٨٥ق.)، به كوشش محمد كاظم، قم، زاهدى؛ فتح العزيز: عبدالكريم بن محمد الرافعى (م.٦٢٢ق.)، دار الفكر؛ الفقه على المذاهب الاربعه: عبدالرحمن الجزيرى (م.١٣٦٠ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٦ق؛ الكافي فى الفقه: ابوالصلاح الحلى (م.٤٤٧ق.)، به كوشش استادى، اصفهان، مكتبة امير المؤمنين عليه السلام، ١٤٠٣ق؛ الكافي: الكليني (م.٣٢٩ق.)، به كوشش غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش؛ الكامل فى التاريخ: ابن اثير على بن محمد الجزيرى

لا يحضره الفقيه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به کوشش گروهی از استادان، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ منتهی المطلب: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۲ق؛ مواهب الجلیل: الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ موسوعة التاريخ الاسلامی: محمد هادی یوسفی غروی، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ق؛ الموطأ: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق.)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق؛ نصب الرایه: الزیلعی (م. ۷۶۲ق.)، به کوشش ایمن صالح، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۱۵ق؛ نهاییة الاحکام: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش رجایی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۲ق.

سید هادی موسوی خراسانی



اِذْخِرْ: گیاهی خوشبو و مستثنا از حکم

حرمت چیدن و کندن گیاهان حرم

اِذْخِرْ گیاهی است خوشبو با ریشه محکم و برگ‌ها و ساقه‌های فراوان و باریک مانند گیاه «نی». برگ‌های آن پهن، دراز و مایل به رنگ نارنجی است و پس از خشکیدن به رنگ سفید درمی‌آید. شکوفه این گیاه بسیار فراوان، به رنگ سفید مایل به سرخی تقریباً قهوه‌ای و

(م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ کشاف القناع: منصور البهوتی (م. ۱۰۵۱ق.)، به کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ المبسوط فی فقه الامامیه: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش بهبودی، تهران، المكتبة المرتضویه؛ المبسوط: السرخسی (م. ۴۸۳ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ المجموع شرح المذهب: النووی (م. ۷۶ق.)، دار الفکر؛ مختصر المزنی: المزنی (م. ۲۶۳ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ المدونة الكبرى: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق.)، مصر، مطبعة السعادة؛ مسائل الناصریات: السيد المرتضى (م. ۴۳۶ق.)، تهران، رابطه الثقافة و العلاقات الاسلامیه، ۱۴۱۷ق؛ المستدرک علی الصحیحین: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ مستند الشیعه: احمد النراقی (م. ۲۴۵ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۵ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ المصنّف: عبدالرزاق الصنعانی (م. ۲۱۱ق.)، به کوشش حبیب الرحمن، المجلس العلمی؛ المعتبر: المحقق الحلی (م. ۶۷۶ق.)، مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۳ش؛ المعجم الكبير: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، به کوشش حمدی عبدالمجید، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ معجم مقاییس اللغة: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ مغنی المحتاج: محمد الشربینی (م. ۹۷۷ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۲۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ مفتاح الکرامه: سید محمد جواد العاملی (م. ۱۲۲۶ق.)، به کوشش خالصی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۹ق؛ المقنعه: المفید (م. ۴۱۳ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ من